

گزارش

«شرق» از اقدام جدید ترامپ به عنوان بخشی از کارزار فشار حداکثری گزارش می‌دهد

تحریم بیش از ۳۰ شخص و کشتی؛ آیا ترامپ در برابر ایران موفق می‌شود؟

مالک مصدق؛ وزارتخانه‌های خزانه‌داری و امور خارجه آمریکا در تداوم کارزار فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ علیه جمهوری اسلامی ایران، به طور مشترک اسامی چندین فرد و شرکت‌های مرتبط با ایران را در فهرست تحریم‌ها قرار دادند. به نوشته ایرنا، تحریم‌های جدید وزارتخانه‌های خارجه و خزانه‌داری آمریکا علیه تجارت نفت ایران، اولین گام مشترک آنها از کارزار جدید فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران است. به گفته تامی بروس، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، وزارت خزانه‌داری ۱۶ نهاد و کشتی را تحریم کرده است، درحالی‌که وزارت خارجه و وزارت خزانه‌داری به صورت مشترک ۲۲ نفر دیگر و ۱۳ کشتی را تحریم کرده‌اند.
تا زمانای وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۴ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۶ اسفندماه ۱۴۰۳، اعلام کرد واشنگتن تحریم‌های جدید مرتبط با ایران را روز دوشنبه به وقت محلی اعمال کرد؛ از جمله، افرادی که با یک شرکت صادرات نفت ایران مرتبط هستند. وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای ادعا کرد دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (OFAC) و وزارت امور خارجه آمریکا تحریم‌هایی را علیه بیش از ۳۰ شخص و کشتی در حوزه‌های متعدد به دلیل نقش آنها در واسطه‌گری فروش و حمل‌ونقل فرآورده‌های نفتی ایران وضع کردند. وزارت خزانه‌داری آمریکا همچنین مدعی شد در میان کسانیکه از امروز تحریم شده‌اند، دلالات نفت در امارات متحده عربی و هنگ‌کنگ، اپراتورها و مدیران نفتکش در هند و چین، رئیس شرکت ملی نفت ایران و شرکت پاپانه‌های نفتی ایران هستند که فعالیت‌های آنها به تأمین مالی فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده این کشور کمک می‌کند. کشتی‌هایی که امروز تحریم شده‌اند، مسئول حمل ده‌ها میلیون بشکه نفت خام به ارزش صدها میلیون دلار هستند

ادعاهای وزیر خزانه‌داری آمریکا

در همین زمینه، اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، در سخنانی ضدایرانی ادعا کرد: «آمریکا از تمام ابزارهای در اختیار خود برای هدف قراردادن تمام بخش‌های زنجیره تأمین نفت ایران استفاده خواهد کرد و هرکسی که با نفت ایران معامله می‌کند، خود را در معرض خطر تحریم‌های درخور توجهی قرار می‌دهد». براساس بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا، حمید بوره، معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران که مسئولیت اکتشاف، تولید، پالایش و صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی در ایران را برعهده دارد، عباس اسدروز، سیدعلی میری، غلامحسین گرامی و علی معلمی، از جمله افرادی هستند که نام آنها در فهرست تحریم‌های جدید آمریکا آمده است. وزارت خزانه‌داری دولت ترامپ ۶ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳، نیز ادعا کرده بود شبکه نفتی را که صدها میلیون دلار برای ارتش ایران تولید می‌کند، هدف قرار می‌دهد. وزارت خزانه‌داری آمریکا در بیانیه‌ای مدعی شد: «امروز دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری (OFAC) یک شبکه بین‌المللی را به دلیل تسهیل ارسال میلیون‌ها بشکنه نفت خام ایران به ارزش صدها میلیون دلار به چین تحریم می‌کند. این نفت به نمایندگی از ستاد کل نیروهای مسلح ایران و شرکت تحت تحریم آن که سپهر انرژی جهان‌نما پارس (سپهر انرژی) است، ارسال شده است. این تحریم‌ها شامل نهادها و افراد در حوزه‌های متعدد، از جمله چین، هند و امارات و همچنین چندین کشتی می‌شود». تحریم‌های پیشین دولت ترامپ علیه نفت ایران که از بهمن‌ماه شروع شد، با محکومیت جمهوری اسلامی روبه‌رو شد. در این‌باره اسماعیل بقالی، سخنگوی وزارت امور خارجه، آن زمان پس از تحریم مجموعه‌ای از اشخاص حقیقی و حقوقی به اتهام دخیل‌بودن در فروش نفت خام ایران، آن را کاملاً ناموجه و مغایر با قواعد و موازین بین‌المللی دانست و به‌شدت محکوم کرد.

دولت دوم ترامپ و کارزار فشار حداکثری

ترامپ که در دور دوم ریاست‌جمهوری خود بارها برای رسیدن به توافق با ایران ابراز امیدواری کرده، ۲۰۵ فوریه ۲۰۲۵ برابر با ۱۶ بهمن‌ماه ۱۴۰۳ با امضای یادداشتی برای تداوم سیاست فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران ادعا کرد آماده گفت‌وگو با رئیس‌جمهوری ایران است. او با بیان این ادعا یکی برای امضای این یادداشت «چارت‌دد» بوده است، مدعی شد: «این برای ایران خیلی سخت است. امیدوارم مجبور نباشیم خیلی از آن استفاده کنیم. باید دید آیا می‌توانیم به توافقی با ایران برسیم؟». رئیس‌جمهوری آمریکا، ۱۷ بهمن‌ماه نیز در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» مدعی شده بود: «من می‌خواهم ایران کشوری بزرگ و موفق باشد، اما کشوری که نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. گزارش‌هایی که ادعا می‌کنند ایالات متحده با همکاری اسرائیل قصد دارد ایران را به خاک و خون بکشد، به‌شدت اغراق‌آمیز هستند. ترجیح می‌دهم یک توافق هسته‌ای صلح‌آمیز و قابل راستی‌آزمایی داشته باشیم که به ایران اجازه دهد به طور مسالمت‌آمیز رشد کند و شکوفا شود. باید فورا روی این موضوع کار کنیم و وقتی توافق به امضا رسید، یک جشن بزرگ خاورمیانه‌ای برگزار کنیم. خداوند خاورمیانه را حفظ کند!».

میدل ایست‌آی؛ فشار حداکثری آمریکا علیه ایران محکوم به شکست است

اگرچه سیاست جدید فشار حداکثری مبتنی بر این تصور ادعایی است که آسیب‌پذیری‌های ایران بیشتر شده است، اما میدل‌ایست‌آی، سیاست فشار حداکثری ترامپ را چندان موفقیت‌آمیز توصیف نمی‌کند، چراکه به گفته این رسانه و در جدیدترین گزارش خود، این‌گونه موضوع تحلیل شده است که سیاست یادشده ترامپ (فشار حداکثری) بر دو فرضیه ناقص استوار بود: اول اینکه تحریم‌های اقتصادی هزینه کمی بر آمریکا تحمیل می‌کند یا هیچ هزینه‌ای بر آمریکا تحمیل نمی‌کند دوم اینکه تحریم‌ها به‌تنهایی ناگزیر باعث ناترازی می‌شود. بنابراین، تحریم‌شدن این اشتباه‌ها، کمبیین فشار حداکثری هیچ انگیزه معناداری ارائه نمی‌دهد و اساسا ایران را در وضعیت‌ی قرار می‌دهد که دلیلی برای مذاکره با آمریکا ندارد. توجه به این نکته ضروری است که در عمل، نادرستی این فرضیه‌ها ثابت شده است.

هزینه تحریم‌ها علیه ایران برای آمریکا

برخلاف انتظار واشنگتن، فشار حداکثری برای آمریکا گران تمام شده است. ایرن با کاهش تعهدهای خود براساس برجام، غنی‌سازی اورانیوم خود را از ۳.۵ درصد براساس برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به بیش از ۶۰ درصد افزایش داد، ذخایر اورانیوم غنی‌شده خود را افزایش داد و سانتریفیوژهای نصب‌شده خود را توسعه داد. برخلاف انتظار واشنگتن، فشار حداکثری برای آمریکا گران تمام شده است؛ در نتیجه زمان شکاف هسته‌ای از حدود یک سال به کمتر از یک هفته کاهش یافت. از سرنگونی پهنادهای آمریکایی و حملات موشکی سه پایگاه آمریکایی، عین‌الاسد، این سیاست نتوانسته است از تحریکات بیشتر جلوگیری کند و در عوض احتمال آنها را افزایش داده است. این سیاست دولت نخست ترامپ اهرم‌های واشنگتن را کاهش داده و اولویت‌های راهبردی آن را پیچیده کرده است. درعین‌حال تمایل چین به خرید نفت ایران، تحریم‌ها را تضعیف کرده و اعتبار مدیریت آمریکا را از بین می‌برد. از مارس ۲۰۲۰ تا مارس ۲۰۲۴، اقتصاد ایران حدود ۱۷ درصد رشد داشته و ۱.۲ میلیون شغل اضافه شده است. فقط در سال ۲۰۲۳، بانک مرکزی حدود ۶۸ میلیارد دلار برای واردات اختصاص داد که نشان‌دهنده دسترسی بهتر به ارز است، به‌جای نزدیک‌ترشدن به مذاکرات، به نظر می‌رسد سیاست جدید آمریکا به موضعی بازگشته است که یادآور رویکرد «بدون مذاکره، بدون جنگ» است که دوره اول ترامپ را تعریف کرد.

محمد جعفری؛ «تا امروز بیش از ۷۰ زن در سمت‌های مختلف در دولت چهاردهم منصوب شده‌اند که بعضی از این سمت‌ها برای اولین بار در این ۴۰ سال به زنان داده شده و همه اینها براساس شایستگی‌ها و عدالت بوده است». این جملاتی بود که زهرا بهروزآذر، معاون زنان و امور خانواده ریاست‌جمهوری در دولت مسعود پزشکیان، مطرح کرده و وضعیت بهره‌مندی از ظرفیت و توان این قشر را جامعه ایرانی در دولت چهاردهم را امیدوارانه ارزیابی کرد.

با روی کار آمدن دولت چهاردهم – و البته رقم‌خوردن این تغییر پس از دولت سیزدهم – در سپهر سیاست در ایران با وجود تمام گلايه‌مندی‌ها و انتقاده‌ها درباره مغفول‌ماندن مسئله لزوم استفاده از ظرفیت بالای کارشناسی و تخصصی زنان در سپهر اداره کشور، امیدواری‌هایی در میان اقبشار مختلف، به‌ویژه فعالان حوزه حقوق زنان برای توجه و اهتمام بیشتر دولتی‌ها در این باب ایجاد شد.

خاصه اینکه رئیس‌جمهور نیز در کارزار رقابت‌های انتخاباتی به صورت ویژه‌ای بر این مهم صحنه گذاشته و بر تحقق این مطالبه در دولت خود، تأکید کرده بود. حال در حالی در هشتمین ماه استقرار پزشکیان و تیغش در پاستور به سر می‌بریم که براساس آمارهای اعلامی رسانه رسمی دولت، تاکنون ۱۲ نفر از زنان در سمت وزیر، معاون و مشاور رئیس‌جمهور، ۲۳ زن در کسوت مشاور وزیر و معاون معاونت‌ها، ۶۷ زن در جایگاه مدیران سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و ۱۷ زن به عنوان مسئولان استانی به کار گرفته شده و براساس همین آمار، پنج وزارتخانه (امور خارجه، ارتباطات، دادگستری دفاع و اطلاعات) نیز هیچ انسانی در این حوزه نداشته‌اند. در همین ارتباط، وزارت کشور، بیشترین انتصاب زنان و وزارت کار، کمترین انتصاب را در این زمینه داشته‌اند.

منصورى؛ جزم‌اندیشی مانع به‌کارگیری ظرفیت زنان در سطوح بالای مدیریتی است



در همین باره، آذر منصورى، رئیس‌جبهه اصلاحات ایران و دبیر کل حزب اتحاد ملت، درباره وضعیت حضور زنان در ساختار اداره کشور در دولت چهاردهم به «شرق» گفت: اصل ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی، همچنین اصول متعدد و مقدمه قانون اساسی، حکمرانی پس از انقلاب اسلامی را موظف کرده که نسبت به لزوم استفاده از ظرفیت زنان و حضور آنها در مقدرات اصلی مملکت از یک سو و تحقق حقوق انسانی زنان از سوی دیگر تلاش کند. او افزود: طبق سناد چشم‌انداز جمهوری اسلامی هم یکی از اهداف برشمرده‌شده در آن، رفع هرگونه نابرابری بین شهروندان کشور با توجه به رویکرد توسعه‌محور آن بوده است. اما آنچه در عمل رخ داده، این است که ما شاهد یک شکاف جنسیتی عمیق در همه حوزه‌ها، به‌خصوص حوزه مشارکت سیاسی و قدرت سیاسی زنان در کشور بوده و بالطبع از پیامدهای بارز عدم توجه به این شکاف عمیق در حوزه مطالبات زنان، بی‌اعتمادی و انواع شکاف‌ها - شکاف جنسیتی از برجسته‌ترین آن است- بین حاکمیت و ملت خود را نشان می‌دهد.

منصورى اضافه کرد: حتی به اعتقاد من، ریشه اصلی مناقشه بر سر حجاب نیز به همین شکاف جنسیتی و تبعیض‌های موجود برمی‌گردد؛ بنابراین نه‌تنها دولت پزشکیان، بلکه همه دولت‌ها و ارگان‌های مختلف بودند که در این زمینه برنامه داشته و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای خود، این مهم را به‌نوعی لحاظ کنند. رئیس‌جبهه اصلاحات تصریح کرد: نگاهی به گزارش مجمع جهانی اقتصاد نیز حاکی از این شکاف بوده و بر شکاف جنسیتی دلالت دارد. بنابراین این انتظار که دولت پزشکیان بخواهد یک‌شبه یا چندماهه همه این شکاف‌ها را مرتفع کند، طبعاً انتظار واقع‌بینانه‌ای نیست. آنچه اهمیت داشته و از طرف فعالان حوزه زنان رصد می‌شود، تلاش‌ها، برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و لویجی‌است که از سوی دولت چهاردهم در این زمینه مطرح، پیگیری و منتج به نتیجه می‌شود.

دبیر کل حزب اتحاد ملت، یادآور شد: با توجه به توقف شبه‌قانون موسوم به عفاف و حجاب و تمرکز دولت بر لایحه منع خشونت علیه زنان و تلاش و تکلیپی که در این زمینه کرده، نشان‌دهنده توجه دولت به مسئله زنان است. حتی تلاش‌هایی در حوزه به‌کارگیری معاونان رئیس‌جمهور، یکی از وزرا، معاونان وزرا، فرمانداران، بخشداران، مدیران کل و اقداماتی از این دست، قابل تقدیر بوده و در این حوزه مشاهده می‌شود. این اقدامات، تفاوت‌های بین دولت چهاردهم و



گفت‌وگوی «شرق» با چهره‌ها و فعالان حقوق زنان در باره جایگاه و موقعیت این قشر در عرصه مدیریت کشور:

یادآوری یک بیانیه انتخاباتی به رئیس‌جمهور

دولت قبل در حوزه زنان را مشهود می‌کند، اما قطعه‌ای من میزان کفایت نمی‌کند؛ چراکه ما همچنان با توجه به شکاف جنسیتی عمیقی که در زمینه مشارکت سیاسی و قدرت سیاسی زنان با آن روبه‌رو هستیم، این حجم از اقدامات کافی نبوده و دولت حتما باید در این زمینه اهتمام بیشتری به خرج بدهد.

منصورى خاطر‌نشان کرد: شاخص‌ها و آمار و ارقام به خودی خود گویای تفاوت عملکرد دولت چهاردهم با دولت سیزدهم در حوزه استفاده از ظرفیت زنان است. همین میزان به‌کارگیری مدیران در دولت پزشکیان در سطح معاونین، وزرا، مدیران کل، فرمانداران و بخشداران حاکی از این تفاوت‌هاست. این تفاوت‌ها به حدی است که نشان می‌دهد دولت چهاردهم در مسیر رفع تبعیض جنسیتی علیه زنان است.

این فعال سیاسی همچنین در پایان، اشاره‌ای هم به مقاومت‌ها در این زمینه داشت و تأکید کرد: این مقاومت‌ها از گذشته وجود داشته و همچنان برقرار است. برداشت موزم‌گرایانه‌ای که از دین می‌شود، شاید یکی از بزرگ‌ترین موانعی است که مانع به‌کارگیری ظرفیت زنان در سطوح بالای مدیریتی شده ولی تصور دارم که با توجه به واقعیت جامعه ایران و مطالبات و تغییراتی که زنان حامل آن هستند، در نهایت این مقاومت‌ها را خواهد شکست. تجربه اغلب کشورهای توسعه‌یافته، ناگزیر در کشور ما نیز اتفاق خواهد افتاد و آن حرکتی است که در بطن جامعه شکل گرفته و حلالان اصلی آن نیز زنان تغییرخواه و مخالف همه اشکال تبعیض علیه خود هستند.

مولاوردی؛ به سمت استفاده از سهمیه ۵۰درصدی ظرفیت زنان در مناصب مدیریتی برویم



شهیندخت مولاوردی، معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری در دولت یازدهم، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و از اعضای شورای راهبری دولت مسعود پزشکیان در گفت‌وگویی با «شرق»، ضمن تشریح و تبیین این مسئله و ابعاد آن، اظهار کرد: البته به نظرم، هنوز زود است که عملکرد دولت چهاردهم با دولت یا دولت‌های قبلی در حوزه تحقق مطالبات زنان را مقایسه کنیم. دولت پزشکیان هنوز در آغاز راه خود بوده و هنوز در شروع عملیاتی‌شدن برنامه‌ها و اهداف خود قرار دارد. اما این انتصابات و بهره‌مندی از ظرفیت، توان و شایستگی‌های زنان را باید به صورت یک روند مورد بررسی قرار دهیم؛ یعنی این‌گونه نیست که شروع این مسئله را در دولت چهاردهم بدانیم. ما یک ریل‌گذاری‌ها و مقدمه‌چینی‌هایی داشتیم که ثمره آن، الان در دولت چهاردهم در حال ظهور و بروز است. به‌ویژه اقدامات و برنامه‌هایی که برای تغییر ذهنیت‌ها و نگاه‌ها به جایگاه زنان و ضرورت بهره‌مندی از توانمندی‌های زنان در فرایند توسعه و پیشرفت کشور انجام گرفته است.

او همچنین با اشاره به عملکرد دولت سیزدهم در این حوزه نیز افزود: اینکه بخواهیم این چند ماه را با آن سه سال مقایسه کنیم، واقعاً زود است. باید گفت که رویکرد کنونی حوزه زنان در دولت چهاردهم به‌نوعی تداوم رویکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم بوده که آن نیز، ریشه در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت اصلاحات داشت. معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری در دولت یازدهم تصریح کرد: اگر آن سیاست‌ها – سیاست‌های دولت یازدهم و دوازدهم در زمینه استفاده از سهمیه ۳۰درصدی از ظرفیت زنان – ادامه پیدا می‌کرد، الان به طور کامل اجرا شده بود. ضمن اینکه در حال حاضر در شرایطی هستیم که باید به سمت استفاده از سهمیه ۵۰درصدی از ظرفیت زنان در جایگاه‌ها و مناصب مدیریتی کشور حرکت کنیم.

مولاوردی خاطر‌نشان کرد: این‌هم باید مورد توجه قرار بگیرد که مشکل زنان، صرفاً مسئله مدیریت آنها نیست. هم‌زمان و به موازات آن باید دیگر سیاست‌ها و برنامه‌ها را نیز در دستور کار قرار داد. توجه به این مهم می‌تواند به فرایند بهبود وضعیت زنان در دیگر حوزه‌ها بهبود ببخشد. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب همچنین خطاب به مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، نیز تصریح کرد: می‌خواهم بیانیه‌های رئیس‌جمهور در تبلیغات انتخاباتی را به ایشان یادآوری کنم. این بیانیه‌ها یک نکته کلیدی داشت و آن هم اینکه «ما زنان را نمی‌از جمعیت می‌بینیم، ولی این کافی نیست. زنان، تنها نمی‌از جمعیت نیستند، آنها نمی‌از سرمایه تخصصی و فکری جامعه هستند». بازگویی این مواضع ایشان، صرفاً برای یادآوری است.

بازار شوق

یادداشت

خطرات تجاری‌سازی وکالت



وحیدقاسمی‌عهد

استاد دانشگاه وکیل دادگستری

مدت‌هاست گروهی درصددند با تحمیل قواعد بازار و بهره‌گیری از ارزش‌های اقتصاد لیبرالیستی، مثل رقابت و منع انحصار، این شغل را وارد مرحله درگدیسی فروباشنده‌ای کنند. اینکه چرا وکالت شغل است و کسب‌وکار نیست و با تلقی وکالت به عنوان یک کسب‌وکار صرف و تجاری‌سازی وکالت، چه خطراتی در انتظار ارزش‌ها، اصول و تعهدات اجتماعی این حرفه خواهد بود، بر سرش‌هایی است که به درازای یک قرن و توسعه مناسبات تجاری در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم،

جریانی تحت عنوان حرفه‌ای‌گرایی (professionalism) در آمریکا شکل گرفت. این جنبش، درصدد پاسخی به نیازهای جدید ناشی از صنعتی‌شدن، رشد شهرنشینی و توسعه مناسبات تجاری و اجتماعی در آمریکای نوظهور بود. در همان ایام، برای شناخت ماهیت این شغل، تحقیقات علمی فراوانی انجام شد. از آن روزها تاکنون عموماً بر این باورند که وکالت نه‌تنها یک شغل است، بلکه خدمت عمومی و تعهدی شرافتمندانه به عدالت است. وکالت بر پایه‌ای از ارزش‌های اخلاقی، تعهدات اجتماعی و اولویت‌دهی منافع موکلان بر منافع وکلا استوار است. ارزش‌های اخلاقی وکالت شامل صداقت، استقلال، عدالت‌طلبی و تعهد به منافع عمومی و… است. به همین روی، گفته‌اند وکالت «شغلی شریف» است که هدف آن نه کسب سود، بلکه تحقق عدالت و حفظ حقوق افراد است. اما در مقابل برخی استدلال می‌کنند که وکالت نیز مانند سایر حرف تجاری دارای هدفی به نام کسب سود و منفعت مادی است و تلاش می‌کنند از این وجه مشترک، ماهیت وکالت را قلب کنند؛ تو گویی در تحلیل ایشان تفاوتی بین ترازوی عدالت و ترازوی بازاری نیست. از دل همین تفکرات، قانون تسهیل صدور برخی از مجوزهای کسب‌وکار الزام به اتصال کانون‌ها به سامانه همدور مجوزهای کسب‌وکار و ماده ۱۱۳ قانون توسعه هفتم برون آمده است و هر لحظه بیم تجاری‌سازی کامل وکالت را بیشتر می‌کند. اما تردیدی نیست که تجاری‌سازی وکالت، آثاری منفی برای جامعه و شهروندان دارد که ذیلاً به آن اشاره می‌شود:

۱. **تضعیف ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای**؛ چنانچه وکالت کسب‌وکار تلقی شود، بدیهی است مانند سایر کسب‌وکارها می‌تواند به‌جای اولویت‌دهی به منافع موکلان و عدالت به سودآوری و رقابت تجاری متمرکز شود. این رویکرد می‌تواند منجر به تضعیف ارزش‌هایی مانند صداقت، استقلال و تعهد به منافع عمومی شود. وکلا نیز مانند سایر حرف دیگر، به‌جای پرداختن به اهداف عالیه وکالت (تلاش برای استقرار عدالت، حاکمیت قانون و…)، به انگیزه کسب سود عمل خواهند کرد.

۲. **فرو ریختن اعتماد عمومی**؛ اعتماد عمومی به نظام حقوقی و وکلا برپایه ادراکی است که مردم از تعهد وکلا به اخلاق حرفه‌ای و عدالت دارند. شغل وکالت مشحون از گزاره‌ها و اوامر و نواهی اخلاقی است. به آن سان که مرز عمل غیراخلاقی و تخلفات انتظامی‌گاه ناپیداست. کسب‌وکار لحاظ‌شدن وکالت، می‌تواند اعتماد عمومی را کاهش دهد؛ چراکه مردم، وکلا را نه به عنوان مدافعان عدالت، بلکه به عنوان تاجران می‌بینند که فقط به دنبال منافع مالی خود هستند.

۳. **دسترسی برخی از طبقات به عدالت**؛ در سیستم حقوقی که وکالت شغل محسوب می‌شود، وکلا موظف هستند برای موکلانی که توانایی مالی ندارند، معاضدت حقوقی رایگان (pro bono) ارائه دهند. اما چنانچه وکالت تبدیل به تجارت شود، ارائه رایگان خدمات حقوقی، ضدارزش می‌نماید و در نتیجه، فقط افرادی که توانایی پرداخت هزینه و حق‌الوکاله وکیل را دارند، می‌توانند از خدمات وکلای خبره بهره‌مند شوند؛ به نحوی که عدالت فقط برای ثروتمندان قابل دسترس خواهد بود و اقشار ضعیف از حمایت حقوقی محروم خواهند شد.